



president.ir

# مردم دلگرم به دولت

## حاشیه‌نگاری از سفر دوازده روزه رئیس‌جمهور به هرمزگان

### گزارش

زهره شنبه‌زاده سرخایی  
خبرنگار

چشم‌های انقلاب، مردم شهر، آنجا را خوب می‌شناسند. کافی است به راننده آدرس بدهی زیر پرچم، دیگر خودش راه بلد است. مسیر طولانی بود اما کسی گله نمی‌کرد. نیروهای جوان آتش‌نشان هم تکیه داده بودند به ماشین قرمز رنگ‌شان. بخشی از مسئولیت برگزاری این مراسم و استقبال، بردوش همین‌ها است که کمتر نامی از آنان به میان می‌آید. لکچر زدم و از پهلوی‌شان رد شدم. همان وقت رسیدیم به تندیس خواجه عطا؛ شمشیرش رو به دریا بلند بود.

### دولت به وعده‌هایش پایبند بود

هنوز به محل اصلی برگزاری مراسم نرسیده بودی که صدای بلند موسیقی پرنت می‌گردد وسط مجلس عروسی. کمی جلوتر چند مرد با دامن‌های چین دار محلی می‌نواختند. خودشان آمده بودند، بی‌آنکه از طرف سازمان یا نهادهای دعوت شده باشند. چه چیزی این مردم را به اینجا کشانده بود؟ فقط اینها نبودند. زنان و مادران یا فرزندان‌شان، نوجوانانی که پرچم‌های سه رنگ ایران را در دست داشتند و کهنسالان. همه آمده بودند تا از رئیس‌دولتی استقبال کنند که در فاصله بین دو سفر، همه تلاش خود و دولت‌ش را به کار بسته بود تا نیازهای این استان را برطرف کند. مهم این بود که دولت، به وعده‌های خود پایبند بود. وارد محوطه اصلی که شدم، چند نفر را دیدم که نام‌های مردم را جمع می‌کردند و به مسئولان نهاد ریاست جمهوری می‌رساندند. قرار نیست حتی از نیازهای فردی هم غفلت شود. از یکی از آنان پرسیدم: «از ظهیر که اومدید اینجا، شده کسی تردید کنه برای نامه دادن؟» خانی که مسن تر بود این‌طور گفت: «اغلب می‌پرسند، اگه نامه بدیم واقعا می‌رسه دست رئیس‌جمهور؟ اصلاً کسی می‌خونه اون رو؟» و خودش ادامه حرفش را گرفت: «ما بهشون اطمینان می‌دیم که خط ارتباطی ۱۱۱ همه این نامه‌ها رو پیگیری می‌کنه. حتی یک نامه هم بدون جواب نمی‌مونه. البته مهمه که شماره ملی و تماس حتماً باشه تا بتونن نویسنده نامه رو پیدا کنن.»

### میزبانی در هوای بارانی

بندری‌ها رسم دارند میهمان که بخواد بیاید، از چند روز قبل تدارک می‌بینند. مانده بودم با این هوای گرم، چطور میزبان باشیم؟ اما ابرو و باد و مه و خورشید و فلک دست به دست هم دادند تا آبرو بخزند برای مردم سفیدقلب جنوب. هواشناسی اعلام کرده بود، جمعه باران می‌بارد، اما آسمان سخاوتمندانه، یک روز زودتر شهر را شست و طراوت در هوا پخش شد. حالا طراوت طبیعت با طراوت واقعیت زندگی مردم و استقبالی که انتظارش را می‌کشیدند، یکی شده بود.

نم باران می‌بارید که سوار ماشین شدم. راننده پرسید: «دیدن رئیس‌جمهور می‌ری؟» چطور می‌شد که کسی از آن اتفاق مهم برای استان و این مردم خبر نداشته باشد. سرم را به شیشه چسباندم و به فکر فرو رفتم. باران می‌بارید و راننده گفت: «چه بارانی!»

از چند کیلومتر مانده به بوستان غدیر، خیابان ساحلی مسدود شده بود. افسرهای راهنمایی و رانندگی سر تقاطع، قیل از محله «خواجه عطا»، ماشین‌ها را هدایت می‌کردند به خیابان روی‌رو. کمی جلوتر مردم گروه گروه از خیابان‌های آن دست به خیابان ساحلی می‌آمدند. یاد آنگ شهرام ناظری افتادم: «اندک اندک جمع مستان می‌رسند، اندک اندک می‌پرستان می‌رسند...» همه جور تیب و قیافه‌ای را می‌شد دید، از همه سنی و از همه قشری. مسریشان هم پرچم ایران بود؛ محل قرار. این پرچم خاطره‌ها در سینه دارد؛ از روزهای محرم، از یوم‌العباس و صدای یا ابوالفضل گفتن‌های مردمی عاشق تا همه جور تیب و قیافه‌ای را می‌شد دید، از همه سنی و از همه قشری. مسریشان هم پرچم ایران بود؛ محل قرار. این پرچم خاطره‌ها در سینه دارد؛ از روزهای محرم، از یوم‌العباس و صدای یا ابوالفضل گفتن‌های مردمی عاشق تا



به آن باید از میان زن‌های نشست روی سکورد می‌شدم. چادرهای گلدار ویل و نخ‌های رنگ‌زیبایی درست کرده بود. با لباس‌های محلی خودشان آمده بودند، لباس‌هایی که آنان را در جمعیت متمایز از دیگران می‌کرد. بدون زیرانداز روی سکورد سیمانی نشسته بودند. زیرانداز پلاستیکی را پهن کردم تا بنشینم. زن جوان سبزه‌رویی کنارم نشسته بود. سلام کردم. سه نظر بیست و پنج یا شش ساله می‌آمد. چادر نخ‌زیوتی را دور سرش کول زده بود. جواب سلام را لکچر زدم داد و دندان‌های خردت سقیدش را دیدم. دختر کوچکی روی پاهایش خوابیده بود و دختر دیگرش چادرش را کج و کوله روی سر انداخته بود با لباس نارنجی. از توی کیفم کاغذی بیرون آوردم تا جمله‌های رئیس‌جمهور را بنویسم. هنوز سخنرانی شروع نشده بود که زن گفت: «می‌خواه اسم بنویسم؟» گفتم: «نه. شما چی؟ نامه نوشتید؟» بچه روی پاهایش را کمی تکان داد و با مکتی کوتاه گفت: «یعنی نامه من رو می‌خونن؟» کاغذ را نشان دادم: «حتماً. دوست داری برات بنویسم؟» شوهرم پاکبان بود و سه تا بچه داشت. تقاضای او از رئیس‌جمهور، داشتن یک خانه یا گرفتن یک زمین رایگان بود. یادم آمد که در همین سفر، اعطای خانه و زمین، یکی از برنامه‌های رئیس‌جمهور بوده است و بسیاری از همین راه‌خانه‌دار شدند. این را به او گفتم و گفتم امیدوارم سال بعد یا در سفر بعد، این توابشی که خانه‌دار می‌شوی. چشم‌هایش برق خوشحالی زد. نامه را برایش نوشتم، دست دختر هشت‌ساله‌اش را گرفتم تا نامه را تحویل دهم.

### دلگرمی به سخنان رئیس‌جمهور

ساعت به وقت رسمی بیست دقیقه از چهار عصر گذشته بود که آیت‌الله رئیسی وارد شد. جمعیت ناگهان به هیجان آمد. پرچم‌ها را آسمان می‌چرخید و از هر سو شعار می‌دادند. برخی هم نوشته‌هایی در دست

داشتند که نیازهای مناطق محل زندگی آنان در آن نوشته شده بود. دقایقی بعد که اندکی از هیجان‌ها فروکش کرد و برگزارکنندگان مردم را به آرامش فراخواندند، سخنرانی رئیس‌جمهور شروع شد. آیت‌الله رئیسی همان ابتدا از یک امر ملی و البته مورد دغدغه مرزنشینان هرمزگان گفت، اینکه «جزایر سه‌گانه جزو لاینفک ایران است». مردم با شعار و هیجان به این سخن رئیس‌جمهور فرهنگ را سایه بزرگ مردم خوانند و به همه فرهنگی دشمنان به آداب و رسوم ملی و محلی اشاره کرد. آخرین حرف آیت‌الله رئیسی هم حول محور وحدت و انسجام مثال‌زدنی بین تنسح و تسن هرمزگان و حفظ آن بود. تن صدایش فراز و فرود داشت. آتقدیر هوای مردم سرپا ایستاده را داشت که حرف‌هایش را کوتاه کرد. در تمام طول سخنرانی، پرچم‌ها بود که تکان می‌خورد و شعارهای گاه به گاه وسط سخنرانی رئیس‌جمهور.

### رئیس‌جمهور به حاشیه نرفت

کمی بعد رئیس‌جمهور از ضرورت بومی‌گرایی در اداره‌ها و شرکت‌های استان صحبت کرد. دردی که آیت‌الله رئیسی از آن صحبت کرد، برای بسیاری از مردم استان‌ها صادق است و در استان‌ها شاید بیشتر احساس می‌شود. رئیس‌جمهور با صدایی رسا گفت که نیروی استان باید در اولویت به‌کارگیری و استخدام باشد. آیا مسئولانی که باید، این سخن را می‌شنوند و اجرا می‌کنند؟ آیا این همان نیاز و زنج اصلی جوان‌های با استعداد استان نیست؟ خوشحال شدم که رئیس‌جمهور حاشیه نمی‌رفت و دغدغه‌های مهم استان را می‌شناخت و پیگیری بود؛ دغدغه‌هایی مانند اقتصاد دریا و صیادان و مجوزهایشان که در این دولت تصویب و اجرا شد و چقدر خوب نفس صیادان را تازه کرد. یاد قایق‌های توی مسیر افتادم؛ روی بعضی‌هایشان که مهر درشت خورده بود؛ «طرح ساماندهی صیادان» حال دل صیادان که خوب باشد صید هم رونق می‌گیرد. آقای دکتر رئیسی هم اینطور ادامه داد: «مساله آبریزان در این استان مهم است، نه فقط برای استان بلکه برای کشور». رئیس‌جمهور درباره همه موضوعات مهم استان، اعم از تجارت، تولید برق، طرح مسکن، کشاورزی، آب و حوزه سلامت نکاتی را جمع می‌شد. هر چند برخی از



خوشحال شدم که رئیس‌جمهور حاشیه نمی‌رفت و دغدغه‌های مهم استان را می‌شناخت و پیگیری بود؛ دغدغه‌هایی مانند اقتصاد دریا و صیادان و مجوزهایشان که در این دولت تصویب و اجرا شد و چقدر خوب نفس صیادان را تازه کرد. یاد قایق‌های توی مسیر افتادم؛ روی بعضی‌هایشان که مهر درشت خورده بود؛ «طرح ساماندهی صیادان» حال دل صیادان که خوب باشد صید هم رونق می‌گیرد.



مردم بی‌مبالاتی کرده بودند، اما به این معنی نبود که قرار است این زبانه‌ها به حال خود رها شوند. همه چیز این مراسم باید خوب از کار در می‌آمد، یک مراسم مردمی که هرچند مسئولان در آن نقش داشتند، اما چه در استقبال و چه در پایان مراسم، بیشتر خود مردم بودند که آن را برگزار کرده بودند. جمعیت متفرق شده بودند اما هنوز تعدادی نامه می‌نوشتند و خادمین منتظر دریافت بودند. گویی مانده بودند تا آخرین لحظه هم کسی که نامه و تقاضایش را بنویسد، این کار را سر فرصت انجام دهد. به سمت نمازخانه گنبد فیروزه‌ای رفتم. سرایزای توی قسمت زبانه روی صندلی می‌شه نماز خواند؟» بی‌حوصله از آنجا بیرون آمدم. سرخی غروب توی آسمان بود و در محوطه به تعداد انگشت‌شمار رفت و آمد می‌کردند. نگاهم تا پرچم وسط محوطه رفت. چه عصر خوبی بود. همه چیز در آرامش برگزار شد. قدم‌زنان به خیابان اصلی رفتم. راه‌ها باز شده بود. شهر به جنب و جوش افتاده بود. اما می‌دانستم خیابانی دیگر مسدود است؛ میهمان عزیز شهر جایی دیگر دعوت شده بود.

**آگهی مناقصه عمومی**

**یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی تأمین کنندگان**

**شماره ۱۴۰۲/۳۴۲۵-۱۴/م**

**شرکت ایران خودرو خراسان در نظر دارد تعداد ۱۰ عدد ماژول**

**پروفی‌نت سیستم کنترل منطقی مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی از تأمین‌کنندگان واجد شرایط خریداری نماید.**

**سپرده شرکت در مناقصه ۰۵۰۰ / ۱۸۰۰ ریال می‌باشد.**

متقاضیان می‌توانند جهت دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ لغایت ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ بمشروح ذیل اقدام نمایند:

**۱- نحوه دریافت اسناد مناقصه:** به‌صورت حضوری از واحد بازرگانی ایران خودرو و خراسان در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۵ و یا از طریق سایت اینترنتی [www.ikco.ir](http://www.ikco.ir) و یا تماس با شماره‌های تلفن (۰۵۱-۳۳۳۵۶۳۰۵) و (۰۹-۳۳۳۵۶۳۰۵) داخلی (۴۰۲۱)

**۲- محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه:** شرکت ایران خودرو خراسان، کیلومتر ۵۵ جاده مشهد-نیشابور دبیرخانه کمیسیون معاملات در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۵

**لازم به توضیح است تاریخ بازگشایی پاکات الف و ب در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۰۲ ساعت ۹ صبح می‌باشد.**

**در رد یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار است (هزینه درج یک نوبت آگهی روزنامه بر عهده برنده مناقصه است)**

ارتباطات و امور بین الملل